

Geographic Notion
Vol.6. Autumn 2009
Zanjan University
No. 44

اندیشه جغرافیایی
سال سوم، شماره ششم، پائیز ۱۳۸۸
دانشگاه زنجان
مقاله شماره ۴۴

جهانی شدن و تأثیرات آن بر تحولات شهری

ژیلا سجادی، وحید یاری قلی، بهرننگ کلانتری^۳

چکیده

شهرها در طول تاریخ به دلیل اهمیت اجتماعی و اقتصادی شان دچار تحولات گسترده ای شده اند و در دهه های اخیر جهانی شدن موجب تحولات گسترده ای بر شهرها گردیده است. جهانی شدن بعنوان پدیده ای فراگیر ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه جهانی و به ویژه جامعه شهری را تحت تأثیر قرار داده است. تحولات تکنولوژیک و سیاسی نیم قرن اخیر جهان را وارد عصر جدیدی کرده است که ویژگی برجسته آن کاهش سریع فاصله های زمانی و مکانی، ادغام فزاینده نظام های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهان و رشد خیره کننده تولید و مصرف است. فرآیند جهانی شدن از یک سو و تأثیر پذیری شهرها از اوضاع و احوال آن از سوی دیگر لزوم توجه به اثرات متقابل این دو را گوشزد می کند. جریانی که برای شهرها بعنوان اصلی ترین و مهمترین سکونتگاه انسانی بسیار حیاتی می نماید. پژوهش حاضر در پی تبیین مفاهیم و ابعاد و تأثیرات جهانی شدن بر تحولات شهری می باشد. روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی می باشد. بررسی نظریات، دیدگاه ها، مفاهیم و مشخصات جهانی شدن نشان می دهد که جهانی شدن موجب قطبی شدن و گسترش نابرابری های فضایی، اجتماعی و ... در شهرها و ادغام گسترده نظام های اقتصادی در شهرها گردیده است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، شهرهای جهانی، قطبی شدن اجتماعی، تحولات شهری

۱. استادبارجغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی J_sajadi@sbu.ac.ir

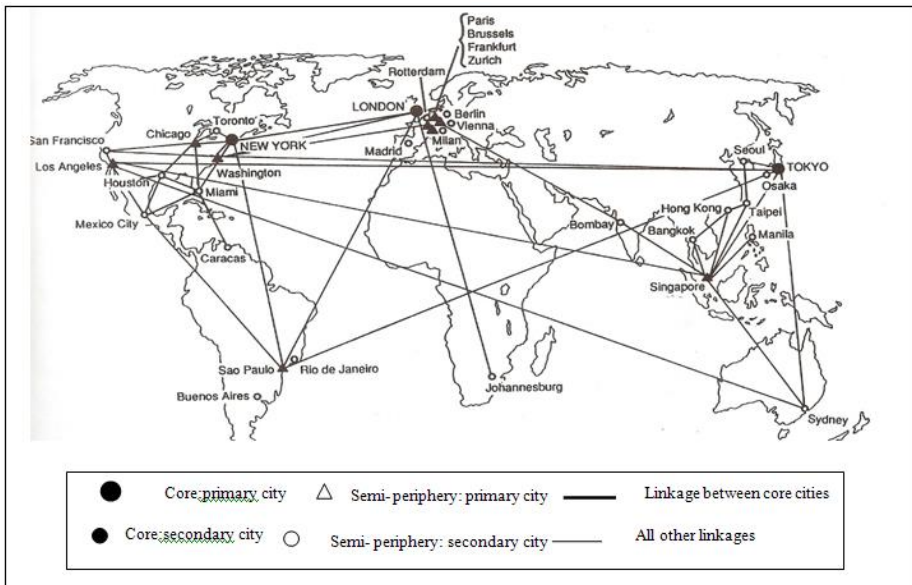
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی، دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

روند تحولات شهری در قرن بیستم در دهه ۱۹۷۰ میلادی وارد مرحله جدیدی شد و در اواسط دهه ۱۹۸۰ تقریباً در تمامی زمینه ها نشان خود را بر جای گذاشت. در دهه ۱۹۸۰ برای اشاره به این دگرگونی ها مفاهیمی چون جامعه صنعتی و فرامدرن (پست مدرن) به کار می رفت، اما در دهه ۱۹۹۰ میلادی مفهوم جهانی شدن رایج گردید و به مفهوم مسلط در دوران معاصر تبدیل شد. به گونه ای که امروزه همه چیز با رجوع به این مفهوم مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. در ظاهر امر، جهانی شدن یعنی ره سپردن تمامی جوامع به سوی جهانی وحدت یافته که در آن همه چیز در سطح جهانی مطرح و نگریده می شود. در واقع، جهانی شدن به معنای آزادی مطلق کسب و کار، برداشته شدن تمامی موانع برای جریان یافتن سهل و آسان سرمایه و نفوذ آن در تمامی عرصه ها و حرکت روان اطلاعات، امور مالی، خدمات و بالاخره تداخل فرهنگ ها آن هم به سوی یکسان شدگی و یکدستی است که تمامی این امور در مقیاسی جهانی رخ می دهد (ایران زاده، ۱۳۸۰: ۱۶). آگاهی فزاینده از این واقعیت که سرنوشت و زندگی انسان ها به صورت های مختلف در گستره ای جهانی با یکدیگر گره خورده، آن ها را از مسایل گوناگون محیط زندگی خود دگرگون می کند و اینکه هر واقعه، تصمیم و فعالیتی که در جایی از جهان اتفاق بیافتد بر سایر نقاط نیز اثر می گذارد (هاگت، ۲۰۰۱: ۵۸۶). برداشت این آگاهی معطوف به "دهکده جهانی" باعث می شود تا افراد همه موضوع ها و مسایل گریبان گیر خود را بر مبنای "جهانی" باز تعریف کنند (ویسی، ۱۳۸۳: ۱۲۱) این امر باعث شد که به ارتباطات بین نیروهای جهانی و شهر در هر بخشی از جهان توجه ویژه ای شود (دیویس، ۱۹۹۴: ۲). جریان های شبکه ای

کالا و خدمات، سرمایه، منابع مالی، جمعیت و اطلاعات سبب شده که ملت ها را از طریق فعالیت در کانون مادرشهرهای بزرگ، به هم پیوند دهند (لوفوچن، ۲۰۰۱: ۲۱).
 شکل شماره ۱: نمایش سلسله مراتبی از شهرهای جهانی را بر اساس نقش آنها به عنوان مراکز عمده مالی، تولیدی، حمل و نقل و مکان ستادهای همکاری بین المللی را ارائه می دهد. در حقیقت به نوعی سلسله مراتبی از رابطه مرکز - پیرامون شهرها در نظام جهانی است که توسط فریدمن در سال ۱۹۸۶ مطرح گردیده است.



شکل شماره ۱: سلسله مراتب شهرهای جهانی، ماخذ: (پاسیون، ۲۰۰۳: ۲۷۸)

عوامل مهم در توسعه شبکه جهانی، گسترش تجارت، جریان های سرمایه (به ویژه سرمایه گذاری های مستقیم خارجی) و موج های تکنولوژی های جدید هستند که شهرها را در شبکه جهانی جریان های اقتصادی و ارتباطات به مفصل (کانون ارتباطات) تبدیل می کنند و در مرکز جهان یکپارچه، شهرهای مفصلی و مادر شهرهای بزرگ، در داخل شبکه شهرهای جهانی هستند. قبلاً متخصصان شهری معتقد بودند که مادر شهرها یا کلان شهرها از جریان های اقتصادی و اجتماعی که عمدتاً در داخل محدوده های ملی

1 Lo Fu-chen
 3. Pacione

انجام می گیرد، شکل و ویژگی اش را می گرفتند. ولی اکنون حرکات سرمایه، جمعیت، اطلاعات از پس کرانه های شهری تا آن سوی مرزهای ملی گسترش یافته اند. اقتصاد جدید " بدون مرز " به توسعه سیستم سلسله مراتب بین المللی شهرها منجر شده است و در حال حاضر، فعالیت های بین المللی بر شهرها تاثیر گذاشته اند (لوفوچن و مارکوتولیو، ۲۰۰۱: ۱۱ - ۱۰). جهانی شدن در دهه های اخیر موجب تحولات شگرفی در روند شهرنشینی و خصوصیات شهرهای جهان شده است. در نتیجه جهانی شدن اقتصاد، روابط انسانی، جریانات فرهنگی و آگاهی های فردی دچار تحولاتی می شوند که شدت و ضعف آن ها متناسب با میزان پیوستگی شهرها با جریان جهانی شدن، متفاوت است. تاثیرات جهانی شدن بر شهرها منجر به ظهور الگوی جدیدی از شهرنشینی در دهه های اخیر در دنیا شد که با خصیصه عملکرد جهانی در زمینه های اقتصاد، فرهنگ، سیاست و شیوه های جدید زندگی، از اشکال شهرنشینی گذشته متمایز می شود (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲).

با توجه به اهمیت جهانی شدن و تاثیرات آن بر جوانب مختلف شهرها، روند شهرنشینی و محتوای شهرها، پژوهش حاضر قصد دارد ابتدا به بیان مفاهیم جهانی شدن و ویژگی های آن پردازد و در نهایت تاثیرات آنرا بر روی تحولات شهری تبیین نماید.

روش پژوهش

مبانی علمی این پژوهش مبتنی بر مفاهیم جهانی شدن و ویژگی های آن با تاکید بر تاثیرات آن بر تحولات شهری، پایه ریزی شده است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات نیز براساس روش کتابخانه ای صورت گرفته است. به منظور تحلیل اطلاعات از روش تکنیک تحلیل محتوا استفاده شده که در آن برگزیده مجموعه آرا و اندیشه های نظریه پردازان، دیدگاه ها و مفاهیم در مورد جهانی شدن،

ویژگی های جهانی شدن و تاثیرات آن بر تحولات شهری، مورد بررسی و تحلیل محتوایی قرار گرفته است.

مفاهیم جهانی شدن^۱

قدمت فرآیند جهانی شدن، با قدمت مفاهیم معطوف به آن فرآیند همراه بوده است. در آثار گوناگون مربوط به جهانی شدن، واژه ها و مفاهیم مختلفی برای توصیف و تبیین آن بکار رفته است که در این میان، واژه جهانی؛ از جایگاهی برجسته برخوردار است. این واژه، معمولاً در مورد نیروها، عوامل، رویدادها و فرآیندهای موثر در ارتباط، همبستگی و همگونی جهانی به کار می رفت و به روایتی قدمتی چهارصد ساله دارد (واترزلو، ۱۹۹۵: ۲). در حقیقت جهانی شدن پدیده جدیدی تلقی نمی گردد و ریشه آن به اوائل قرن ۱۶ میلادی یعنی شروع فعالیتهای مرکانتالیستی که منجر به ارتباط مناطق مختلف دنیا و در نتیجه ساختار مرکز - پیرامونی اقتصاد جهانی شد بر می گردد (سجادی ۱۳۸۱، ۲). جهانی شدن یکی از چالش برانگیزترین موضوعات در محافل مختلف دولتی، دانشگاهی و خصوصی بوده است. اهمیت این موضوع از تاثیر گذاری فرآیند جهانی شدن بر سیاست های اقتصادی، الگوهای مدیریتی، فقر دولتمندی، روندها و الگوهای توسعه ملی و محلی، فرهنگ ها و عقاید گوناگون محلی، روابط بین افراد، مقیاس جهانی تاثیرات و عملکردها و ... ناشی می شود. برخی محققین در تبیین این پدیده بر تغییرات در اقتصاد جهان نظیر از هم پاشیدگی رژیم پولی «برتون وودز»^۲ در اوایل دهه ۱۹۷۰، افزایش اهمیت شرکت های فراملی، مقررات زدایی از سرمایه های پولی، آزاد سازی جریان تجارت و سرمایه گذاری، توسعه وسیع سرمایه گذاری مستقیم خارجی توسعه شدید فن آوری های ارتباطات و اطلاعات و کاهش هزینه و زمان در

1. Globalization

1. Waters

2. Bretton Woods System

حمل و نقل و ارتباطات راه دور تمرکز می کنند. برخی دیگر، جهانی شدن را با انواعی از تهدیدات و تغییرات در اشکال تثبیت شده قدرت دولت های ملی مرتبط می دانند. گروهی نیز بر ظهور اشکال جدید هویت جمعی، جابجایی و تفرق سیاسی توجه دارند که اغلب به واسطه فن آوری های جدید اطلاعاتی، ملیت را به عنوان مثالواره روابط اجتماعی روزمره، بر هم زده اند" (برنر، ۲۰۰۴: ۳۱). محققان از منظرهای گوناگونی درباره جهانی شدن بحث می کنند که موجب تنوع تعاریف و توصیفات درباره این پدیده می شود. از نظر «آنتونی گیدنز» جهانی شدن موجب پیوند مکان های دور از هم و تاثیرگذاری حوادث و رویدادهای سراسر جهان بر یکدیگر می شود (پری و ماورر، ۲۰۰۳: ۳۳). رونالد رابرتسون نیز جهانی شدن را در هم فشردن جهان و تراکم آگاهی ها نسبت به جهان به عنوان یک کل تعریف می کند (رابرتسون، ۱۳۸۵: ۳۵). سائن، جهانی شدن را فرآیندی می داند که در طی آن وابستگی متقابل جهانی و شکل گیری نهاد های جهانی، افزایش می یابد. در این فرآیند فشارهای رقابتی میان نهادها، شهرها، منطقه ها و کشورها افزایش می یابد. او شهر جهانی را مرکز پیوند اقتصاد های ملی و منطقه ای با اقتصاد جهانی و محیطی برای نوآوری در فعالیت های مبتنی بر اقتصاد پیشرفته، خدماتی و صنعتی می داند. پیتز تیلر، عقیده دارد، جهانی شدن دربر گیرنده ی مجموعه ای از فرآیندهایی است که در دهه ۱۹۷۰ میلادی تحت شرایطی که نام می بریم سرچشمه گرفت:

۱- رشد شرکت های چند ملیتی به همراه تقسیم کار جدید بین المللی ۲- متلاشی شدن مقررات پولی برتون وودز در ۱۹۷۱ و اوج گرفتن بازارهای مالی جهانی. ۳- پیشرفت در فن آوری های رایانه ای و ارتباطی که به وجود آورنده سازماندهی جدید جهانی شد. تیلر بر این عقیده است که به رغم پیشرونده بودن این فرایندها، لیکن امری قطعی نیست که جایگزینی برای آن وجود نداشته باشد. کاستلز با به کار گیری مفاهیمی

3. Brenner

4. Perry and Mavrer

چون فضای جریان‌ها، جهانی شدن را ظهور جامعه‌ای شبکه‌ای با پیوندهای متکی بر فشرده‌گی زمان و مکان با اتکای بر فن‌آوری اطلاعاتی می‌داند. او شهرهای جهانی را مراکز فرماندهی و مدیریت شبکه‌های اقتصادی می‌داند (صرافی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲). براساس تعاریف یاد شده و اذعان به تنوع فراوان در نگاه‌ها به مفهوم جهانی شدن، توجه به خصوصیات مشترک این تعاریف نشان می‌دهد که بطور کلی جهانی شدن با چهار تحول مهم زیر همراه است:

- افزایش به هم پیوستگی و ارتباطات فردی و اجتماعی در گستره جهانی
- گسترش فراملی عرصه فعالیت‌های اقتصادی
- افزایش اهمیت اطلاعات در اقتصاد جهانی و کاهش اهمیت مرزها و کنترل‌های ملی
- ارتقای مقیاس تأثیرات فعالیت‌ها و عملکردهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در سطح جهانی

هر یک از جوامع انسانی، متناسب با شرایط و مقتضیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود تأثیراتی از این تغییرات اجتماعی جدید می‌پذیرند و شدت و ضعف، مثبت و منفی بودن پیامدهای جهانی شدن برای این جوامع مختلف، بستگی به شرایط یاد شده دارد. شهرها براساس اهمیت تاریخی خود به عنوان واحدهای اقتصادی - اجتماعی، در کانون توجه فرآیندها و آثار جهانی شدن قرار دارند و بازتاباننده بیشترین تأثیرات امواج جهانی شدن و دربردارنده بیشترین و آشکارترین نشانه‌های جهانی شدن هستند. این سکونتگاه‌ها، همانند گذشته، مهمترین نقش را در فضای جریان‌ات معاصر ایفا می‌کنند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳).

شهرهای جهانی و ویژگی‌های آنها

مسئله شهرهای قدیمی مهم به نوعی از شرایط خاصی در سلسله مراتب جهانی از لحاظ اقتصادی، سیاسی و ... برخوردار بوده‌اند. شهر جهانی دقیقاً یک پدیده جدید نیست. پاتریک گدس اولین بار در سال ۱۹۱۵ در کتاب "ادبیات کلاسیک" در تکامل

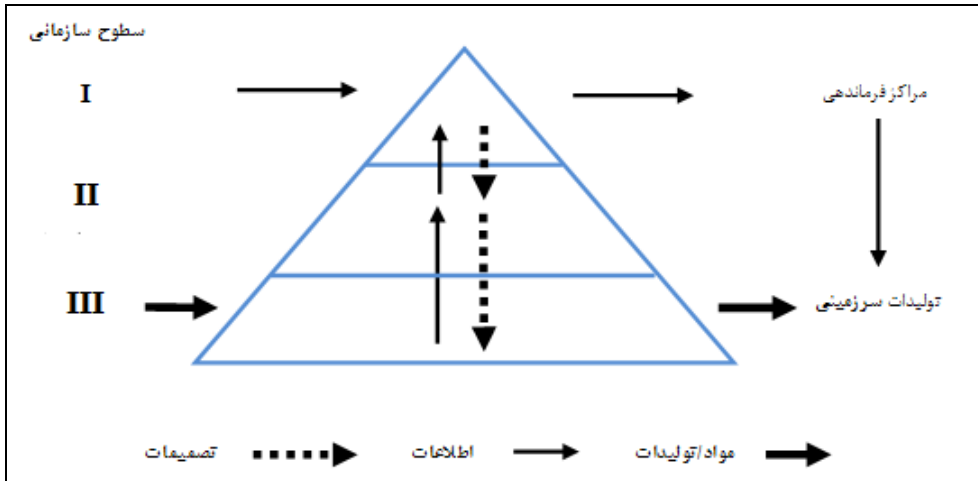
شهرها، از شهرهای جهانی ابحت می کند. ولی در سال های اخیر به خاطر اهمیت مسأله، شهرهای جهانی و جهانی شدن به موضوعات عمده ای در مطالعات علوم جغرافیا، اقتصاد و علوم اجتماعی تبدیل شده است (رضایی و عباسی، ۱۳۸۹: ۱۷۳). فریدمن " شهرهای جهانی " را همانند فضای مفصلی تعریف کرده است که از طریق اقتصاد جهانی، ارتباط منطقی برای اقتصاد ملی کشورهایی که این شهرها در آنها مستقر هستند، ایجاد می کنند. شهرهای جهانی مکان مهمی برای خدمات پیشرفته، بازار فراملیتی برای اقتصاد جهانی و تولید دانش های جدید در داخل جریان های شبکه اطلاعات هستند (فریدمن، ۱۹۸۲: ۸۳).

ساسکیا سائن^۱ (۱۹۹۱) با تاکید بر همکاری بین المللی شهرها و تمرکز خدمات تولید کننده (پشتیان تولید) و اهمیت فراوان آن در شهرهای جهانی، رویکرد جدیدی در مطالعه شهرهای جهانی مطرح کرد. سائن (۱۹۹۱) با بررسی تاثیرات جهانی شدن بر شهرهای نیویورک، لندن و توکیو، به دلیل تمرکز بالای مراکز فرماندهی در سازمان اقتصاد جهانی، تمرکز شرکت های سرمایه ای و خدمات تخصصی، مکان های تولید نوآوری و بازارهای محصولات و نوآوری های تولید شده در شهرهای جهانی، آنها را به عنوان شهرهای جهانی برتر معرفی کرد. از نظر سائن ظهور شهرهای جهانی، نتیجه جهانی شدن فعالیت اقتصادی و ساختار سازمانی خدمات تولید کننده و صنعت مالی مرتبط با آن است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۳).

شکل شماره ۲: سازمان فضایی فعالیت همکاری های چند ملیتی را نشان می دهد. در اینجا سطح نخست عملکرد فرماندهی داشته و (Head Office) درگیر برنامه ریزی بلند مدت برای همکاری ها است. عمده فعالیت آن ارتباط با دولت و سایر افراد رسمی است. از این رو مکان اولیه مورد نیاز سایتی است که از نظر دسترسی به اطلاعات و فراهم کردن امکان برخورد های چهره به چهره و تسهیلاتی برای سرعت بخشیدن به سفر به

1. Global city
2. . saskia suaanen

سایر مراکز مناسب باشد. سطح دوم عملکردی اداری دارد و نیاز به مکانی مناسب دارد اما تماس‌ها از طریق غیر مستقیمی چون تلفن، ایمیل و نوشتاری صورت می‌گیرد. سطح سوم که در حقیقت پائین‌ترین سطح است، در ارتباط با سازماندهی روزمره کار و فعالیت در مراکز تولیدی است. مکان این فعالیت‌ها تحت کنترل تقاضا برای تولید است که خود تابعی از نیروی کار ارزان قیمت که هزینه تولید را کاهش می‌دهد است.



شکل شماره ۲- ساختار فضایی از شهرهای جهانی ماخذ: (هاگت، ۲۰۰۱: ۵۹۷)

بدین ترتیب شهرهای جهانی، شهرهایی هستند که به خدمات مالی بین‌المللی وابستگی بسیار و با گردش پول و دارایی ارتباط دارند. این شهرها مقر فرماندهی موسسات بزرگ چند ملیتی هستند. در این شهرها متخصصان، ثروتمندان و کارکنان اداری، خدمتی را که نیروی انسانی با دستمزد پایین، اغلب کارگران، مهاجران، تولید می‌کنند، خریداری و مصرف می‌نمایند.

قدیمی‌ترین توصیف از شهر جهانی توسط پاتریک گدس (۱۹۱۵) ارائه شد که آنها را مرکز انجام مهمترین فعالیت‌های اقتصادی جهان معرفی کرد. پس از آن پیتروال در سال ۱۹۶۶، شهرهای جهانی را مرکز قدرت سیاسی در سطوح ملی و بین‌المللی، محل استقرار ادارات مرتبط با دولت، مراکز تجارت ملی و بین‌المللی، مراکز حمل کالاهای کشورهای مربوطه و همسایه، مراکز ارائه خدمات بانکی، بیمه و خدمات مالی

مربوطه، مراکز تولید و ارائه خدمات پیشرفته در زمینه های پزشکی، حقوق، آموزش عالی، کاربرد دانش علمی در فن آوری، مراکز گردآوری و انتشار اطلاعات از طریق نشریات و رسانه ها، مراکز مصرف انبوه کالاهای لوکس و غیر آن، مراکز هنر، فرهنگ، سرگرمی، و سایر فعالیت های گوناگون دیگر توصیف کرد (هال، ۲۰۰۶). بخشی از تعاریف و توصیفات درباره شهرهای جهانی بیانگر وضعیت تأثیر پذیری آنها از فن آوری ارتباطات و اطلاعات است. در این رابطه، بیشتر تبیین ها متأثر از نظریات «مانوئل کاستلز» درباره ماهیت جوامع اطلاعاتی و شبکه ای معاصر هستند. کاستلز با نگرش به تأثیرپذیری شهرها از فن آوری های ارتباطات و ظهور اقتصاد اطلاعاتی، شهرهای جهانی را نه یک مکان بلکه یک فرآیند تلقی می کند. فرآیندی که مراکز تولید و مصرف خدمات پیشرفته و جوامع محلی وابسته به آنها را در یک شبکه جهانی به یکدیگر پیوند می دهد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۶۲).

با توجه به مفاهیم و ویژگی های جهانی شدن، شهرهای جهانی دارای مشخصاتی می باشند که این مشخصات در همه آنها وجود دارد. البته همه شهرهای جهانی در داشتن این ویژگی ها با یکدیگر یکسان نیستند و برخی از آنها در یک نوع خاص از این ویژگی ها برجسته تر می باشند. این ویژگی ها عبارتند از:

- ۱- با توجه به حضور خدمات متنوع اقتصادی، بازارهای مالی و شرکتهای جهانی، مکان مطلوبی برای تجارت و بازرگانی در سطح بین المللی هستند.
- ۲- به دلیل وجود شرکتهای چند ملیتی، بازارهای جهانی، مهاجرین زیادی را از کشورهای گوناگون با زمینه های فرهنگی، اجتماعی، تخصصی و دانش مختلف، جذب می کنند.
- ۳- بدلیل حضور کارکنان با مهارت و تخصص بالاتر و همچنین مراکز علمی و آموزشی با امکانات برتر مکان تولید نوآوری ها در سطح جهانی می باشند.
- ۴- مرکز استقرار نهادهای قدرتی در سطح ملی و بین المللی هستند.

- ۵- مراکز مهم برای تأمین سرمایه مورد نیاز برای شرکت های فراملی و چند ملیتی برای دستیابی به سود بیشتر، هستند
- ۶- بیشترین پیوند و ارتباط را با اقتصاد جهانی دارا می باشند.
- ۷- بدلیل تمرکز انواع مختلف کارکردهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و ... گره‌گاه‌های مهم حمل و نقل مسافر، کالا و جریان سرمایه گذاری، می باشند.

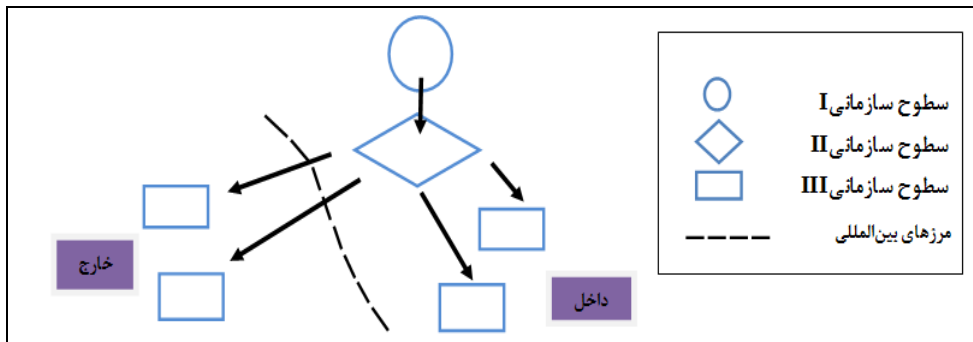
ابعاد جهانی شدن

پدیده جهانی شدن، دارای ابعاد و لایه های متعددی است که از میان آنها پنج بعد دارای ماهیت و اهمیت ویژه ای هستند که عبارتند از ابعاد؛ اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، علمی و فناوری که به تشریح آنها می پردازیم.

- بعد اقتصادی جهانی شدن؛ در تعریف جهانی شدن، بیش از هر چیز مفهوم و جنبه اقتصادی آن غلبه دارد، تا ابعاد دیگر آن. دلیل آن ناشی از تکامل یافتگی بیشتر بعد اقتصادی جهانی شدن بر سایر ابعاد و جنبه ها و تقدم زمانی و وقوع آن است (نادمی، ۱۳۸۰: ۲). به همین دلیل، به مقوله جهانی شدن؛ بیشتر با نگاه اقتصادی نگریده می شود. جهانی شدن از بعد اقتصادی، از تبدیل جهان به جهانی بدون مرزهای اقتصادی و نظام های اقتصادی در حال ادغام خبر می دهد؛ که در آن بنیان های جهانی مشترک و شرکت های بین المللی صاحب نفوذ در تمام اقتصادهای داخلی، بدون دخالت و رهبری دولتها، هدایت می شود. در واقع بخش های اقتصادی متاثر از جهانی شدن، به مرحله ای می رسد که خود را از دولت های ملی مستقل می داند (ماربر، ۱۹۹۸: ۱۳).

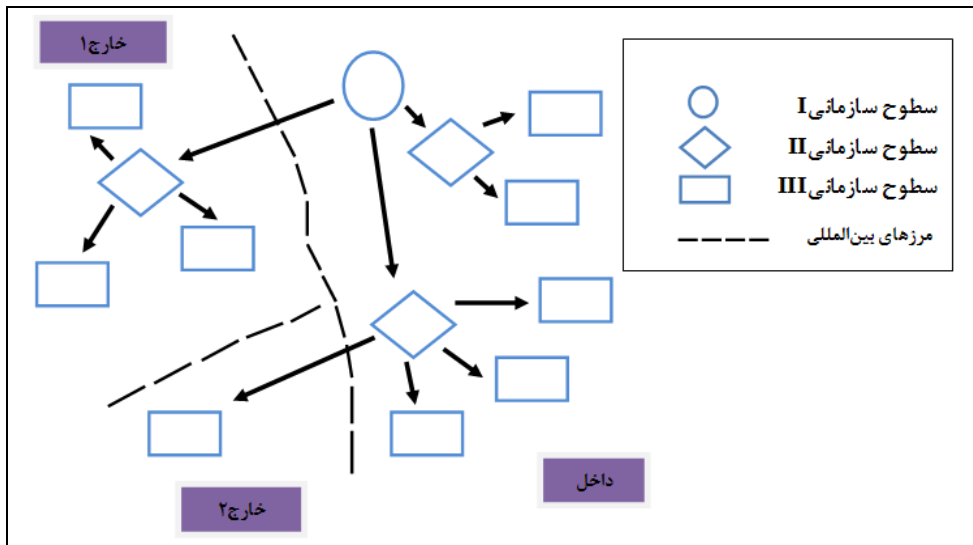
شکل ۳ و ۴: ساختار دو و سه سطحی در نظام سلسله مراتبی شهرهای جهانی را نمایش می دهد. در شکل ۳ ساختار جغرافیایی دو گانه، سطح اول ستاد فرماندهی (تصمیمات) و سطح ۲ بخش اداری را در یک مکان و سایر واحدهای تولیدی را در مکانی دیگر نمایش می دهد. شکل ۴ ساختاری سه گانه دارد که افتراق مکانی بین سه

سطح را کاملاً به نمایش می‌گذارد. هر قدر همکاری‌ها متنوع و متعددتر باشد امکان ساختار سه‌گانه بیشتر خواهد شد.



شکل شماره ۳- ساختار دو سطحی در نظام سلسله مراتبی شهرهای جهانی، ماخذ:

(هاگت، ۲۰۰۱: ۵۹۷)



شکل شماره ۴- ساختار سه سطحی در نظام سلسله مراتبی شهرهای جهانی، ماخذ:

(هاگت، ۲۰۰۱: ۵۹۷)

از مهمترین عوامل پیشرفت جهانی شدن اقتصاد، نقش روزافزون شرکت‌های چند ملیتی و مجموعه‌ای از شرکت‌های صنعتی، خدماتی و اطلاع‌رسانی با فعالیت‌های متنوع است؛ که فارغ از محدوده‌های جغرافیایی شکل گرفته و بدون تبعیت از مردم یا

منطقه جغرافیایی خاص و یا سیاست های دولت ها فعالیت می کنند. تمام این موارد، حکایت از کاهش دخالت دولتها در جهت گیری های تجاری، مالی و اقتصادی جهان در شرایط فعلی و به شکل شدیدتر آن در آینده دارد. به عنوان مثال؛ سازمان تجارت جهانی، از سازمان هایی است که بیانگر جهانی شدن اقتصاد در شرایط حاضر است. این سازمان از جهانی شدن بازارهای مالی و گسترش آن ها و قراردادهای الزام آور برای کشورها، جهانی شدن اقتصاد و تجارت آزاد و حرکت گسترده کالا در میان مرزها، به وجود آمده است (نادمی، ۱۳۸: ۳).

به قول مانفرد (۲۰۰۳)، ابعاد اقتصادی جهانی شدن موجب شد تا کارکردهای فراملی شرکت های چند ملیتی به تقسیم بندی جدید عرصه کار بین المللی و نیز انتقال بخش های تولیدی از اقتصادهای توسعه یافته به اقتصادهای در حال توسعه منجر شود. گسترش دامنه ی بازار شرکت های چند ملیتی باعث رشد فراگیر خدمات تولیدی از جمله شرکت های مالی، قانونی، مشاوره ای، حسابداری و تبلیغاتی شد (مانفرد، ۲۰۰۳: ۳۸).

در مجموع، می توان نتیجه گیری کرد که؛ بعد اقتصادی جهانی شدن از دیگر ابعاد آن پیچیده تر است. افزون بر این، نسبت به سایر ابعاد جهانی شدن قدمت بیشتری دارد. به بیان دیگر، نخستین بعد از جهانی شدن که به لحاظ نظری و عملیاتی مطرح شد؛ بعد اقتصادی آن بود. در واقع پس از بعد اقتصادی جهانی شدن بود که این پدیده در سایر ابعاد مطرح شد و مورد تئوری پردازی قرار گرفت (کرانسر، ۱۹۹۸: ۲۸). در حقیقت تقسیم بین المللی کار جدیدی با ساختار مرکز - پیرامونی جدیدی است که بر خلاف گذشته کشورهای پیرامونی که در این فرایند در ساختار فوق ارتقا یافته نیمه - پیرامونی (semi-periphery) تلقی می شوند (ناکس و مارستون، ۱۹۹۸: ۲۰۸)

- بعد فرهنگی جهانی شدن؛ جابجایی روزافزون افراد، کالاها، سرمایه و اطلاعات، کره زمین را جهانی نموده است. فرهنگ در حوزه های قومیت، زبان و مذهب، بطور

سننی با مکان های معینی در ارتباط بوده است. برای نمونه ژاپنی ها در ژاپن، اسپانیولی ها در آمریکای لاتین و مسلمانان در خاورمیانه قابل ذکر می باشند. به محض اینکه جریان های جهانی فرهنگ طی چند دهه گذشته فزونی گرفت، پیدا کردن آن دسته از اشکال فرهنگی بکر که بطور کامل ویژه منطقه ای خاص باشند، مشکل شده است. چندان جای تعجب نیست که آمریکایی های ژاپنی زبان و اسپانیایی زبان های آمریکای لاتین و مسلمانان شرق آسیا در شهرهای شمال انگلستان شیوه زندگی و فرهنگ خاصی را می آفرینند. در واقع ویژگی های فرهنگی از شکل منطقه ای و بومی خارج شده است (رنای شورت، هیون کیم، ۱۳۸۴: ۵). بعد فرهنگی جهانی شدن، آن قدر عمیق و با اهمیت است که برخی جهانی شدن را فرآیند گسترش فزاینده ارتباطات در یک مقیاس جهانی، به همراه حصول آگاهی از این فرآیند تعریف کرده اند. از جمله پیامدها و یا تاثیرات جهانی شدن فرهنگ، گسترش اجتناب ناپذیر ارتباطات و به تبع آن کاهش روزافزون فاصله ها، جهانی شدن چالش ها و فرصت های موجود و الگوهای رفتاری در عرصه های گوناگون، گسترش جهانی سطح ارتباطات، مقوله های هویتی و اثرپذیری و اثرگذاری آن ها در گستره جهانی، پیدایش منابع هویت ساز جهانی، جهانی شدن افق ذهن و دید بشر را می توان برشمرد (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۱۵).

بطور کلی می توان گفت جهانی شدن در بعد فرهنگی به دنبال یکسان سازی فرهنگی و کاهش تنوع فرهنگی به منظور زمینه سازی برای بازاریابی جهانی و مصرف انبوه به ویژه از طریق کلانشهرها می باشد، که در آن "غرب - محوری" و نادیده انگاشتن ارزش های دیگر تمدن ها مستتر است.

- ابعاد اجتماعی و سیاسی جهانی شدن؛ این بعد از جهانی شدن موجب می شود که

افراد و گروه ها قدرتمند شوند و بتوانند به عنوان گروه های ذی نفوذ به روی دولت ها اثر بگذارند و آنها را تحت تاثیر تصمیمات، برنامه ها و خواسته های خود قرار دهند. در این بعد از جهانی شدن؛ پرسش از نقش دولت و حکومت در فرآیند جهانی شدن است. در پدیده جهانی شدن؛ جایگاه دولت ها بسیار مهم است. بدین معنی که، اگر قدرت

جامعه و گروه‌ها افزایش یابد، بر سر دولت چه خواهد آمد؟ این پرسش مهمی است که در بررسی این بعد از جهانی شدن، به آن پاسخ می‌دهیم (پیشگاه هادیان، ۱۳۸۱: ۱۱). از منظر سیاسی، جهانی شدن تأثیرات شگرفی در فرهنگ و مناسبات سیاسی در سطح جهانی از خود برجای گذاشت. ترویج اندیشه جهان وطنی در سطح روابط میان ملل و اقوام، ارتقای دموکراسی و رشد فرهنگ سیاسی در سطح جهان، تبدیل اقتدار سنتی جوامع به قدرت نظام مند و رقابتی، رشد و گسترش حقوق شهروندی، تقویت و رشد آگاهی در قالب جامعه مدنی، تحول در بینش‌های سیاسی، تغییر شیوه نگرش به حیات سیاسی، شکل‌گیری ایستارهای تکثرگرا و ضد اقتدارگرا در روابط ملت‌ها و دولت‌ها، تبادل اطلاعات، عقاید، افکار و ارزش‌های سیاسی در سطح کلان و بین‌المللی و نهادمند شدن تکثر و آزادی انتخاب در قالب مدل‌های توسعه سیاسی و جامعه مدنی، بخش قابل توجهی از تأثیرات این پدیده در عرصه سیاسی و در سطح جهانی است (نادمی، ۱۳۸۰: ۴).

- بعد علمی و فناوری جهانی شدن؛ یکی دیگر از ابعاد مهم جهانی شدن، بعد علمی و ارتباطی آن است. زمانی که واژه جهانی شدن مطرح می‌شود، برای بسیاری از افراد مسأله‌ی فناوری و انقلاب ارتباطات را تداعی می‌کند. به عبارت دیگر، برای بسیاری، جهانی شدن بیانگر تحولات و پیشرفت‌هایی است که در عرصه فناوری ارتباطات به وقوع پیوسته است. مسأله‌ی از قبیل پیشرفت در تولید انواع رایانه و نرم‌افزارها، عمومیت یافتن و ارزان شدن آن‌ها و توسعه ارتباطات جمعیت به مرحله‌ای رسیده که می‌توان نتیجه گرفت: در فرآیند جهانی شدن قرار گرفته‌ایم. افزون بر این، انقلاب و توسعه ارتباطات موجب شده است که ارتباط میان مردم و جوامع گوناگون به سادگی امکان پذیر شود (توسلی، ۱۳۸۱: ۱۱). آنچه که به جهانی شدن با ساختار امروزی آن کمک کرده است فناوری ارتباطات است. به عبارت دیگر بالا بودن برخورداری از انواع وسایل ارتباطات (تلفن، فکس، ایمیل، شبکه‌های کامپیوتر و اینترنت) حجم بالای روابط الکترونیکی از جمله شاخص‌های یک شهر جهانی است (هال، ۲۰۰۶: ۵۲). به عنوان

مثال در سال ۱۹۹۴ نیویورک با داشتن ۶ درصد از جمعیت آمریکا ۳۵ درصد از تماسهای خارج از این کشور را به خود اختصاص داده است. لندن با ۱۶ درصد جمعیت ۳۰ درصد از تماسهای موبایلی کشور را داشته است. (Ibid,53) می توان گفت تحولات جهانی شدن در بعد فناوری موجب کاهش شدید هزینه و زمان جابجایی اطلاعات، کاهش موانع تحرک فرامرزی عوامل تولید گردیده است.

- تاثیرات جهانی شدن بر تحولات شهری

شهرها از دیر باز کانون تاثیر پذیری از محیط پیرامون خود بوده اند و نسبت به تغییرات واکنش نشان داده اند. قبول اینکه شهرها نظام های بازی هستند از یک سو و نقش فزاینده جهانی شدن در شکل دهی به محیط براساس نیازهای خود از سویی دیگر، کنش و واکنش بین جهانی شدن و شهرها را حتمی می دارد. جهانی شدن، شهرها را به عنوان کانون عملکرد خود برگزیده است. شهرها چنانچه از شرایط محلی، منطقه ای و ملی متاثرند و در برابر تحولات آن ها واکنش (کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و ...) نشان می دهند؛ با شرایط جهانی نیز در ارتباط مستمر بوده و به ویژه اگر شهر از نظر اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی کارکردی جهانی داشته باشد، به راحتی در برابر این تحولات جهانی متاثر گشته و می تواند این اثر را به شهرهای فرودست خود تا آخرین مراتب از سلسله شهری منتقل کند. " امروزه با توجه به پیوندهای فراگیر جهان و نظام های باز شهری درک تحولات و پویای شهری بدون نگاه جهانی اگر ناممکن نباشد دست کم کامل نیست ". (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۶۴). جهانی شدن بر شهرنشینی، سلسله مراتب شهرها، شبکه جهانی شهر، اقتصاد و مدیریت شهر به نحوی تاثیر گذاشته است. جهانی شدن با فناوری ارتباطات و اطلاعات همراه و این فناوری باعث ایجاد فضاهای مجازی در شهرها شده است. تراکم سرمایه و دفاتر شرکت های چند ملیتی و ... در شهرها سبب تغییر در عملکرد و فرم شهرها شده، که تبلور این است که " جهانی شدن در شهرها اتفاق می افتد و شهرها، جهانی شدن را نمایان و منعکس می نمایند ". (رضایی، ۱۳۸۱: ۴۰)

پاسیون در ارتباط با ویژگی‌ها و اصول جهانی شدن بر این اعتقاد است که هر چند جهانی شدن در شهرها به وقوع می‌پیوندد اما رابطه بین شهر و فرایند جهانی دیالکتیکی است. بدین معنی که هرچند نیروهای جهانی منجر به تغییرات در شهرها می‌شود ولی شهرها نیز سبب تغییراتی در جهانی شدن با جای دادن در فضای محلی می‌شوند (پاسیون، ۲۰۰۳: ۸). مکان‌نماینده‌گی‌ها که نظارت و تدارک مالی اقتصاد جهانی را بعهده دارند مشخص‌کننده جهان شهر است (Ibid,9).

سه پیامد عمده فرایند جهانی شدن عبارتند از:

- تغییر در سیستم شهری در سطوح محلی، ناحیه‌ای، ملی و جهانی

- گسترش شهرنشینی

- تغییرات در ساختار اجتماعی - فضایی مکانهای شهری (Ibid,12)

به نظر ساسن اجتهانی شدن به پیدایش شهرهای موسوم به شهرهای جهانی منجر شده است. در حالی که چند شهر می‌توانند ادعای منزلت جهانی واقعی به عنوان مراکز فرماندهی و مسلط در اقتصاد جهانی داشته باشند. لیکن منطقی دیگر نیز وجود دارد که می‌گوید همه مراکز شهری، اکنون جهانی هستند. زیرا همه آن‌ها در نتیجه رویدادها و تصمیم‌های برون مرزی تحت تاثیر قرار گرفته‌اند (هادیانی، ۱۳۸۴: ۵). جهانی شدن فاکتور عمده است که امروزه شهرها را شکل می‌دهد. الگوی جهانی شهر سه نتیجه عمده داشت:

۱- شهری شدن: یک افزایش جمعیت در کل جمعیتی که در شهر زندگی می‌کنند.

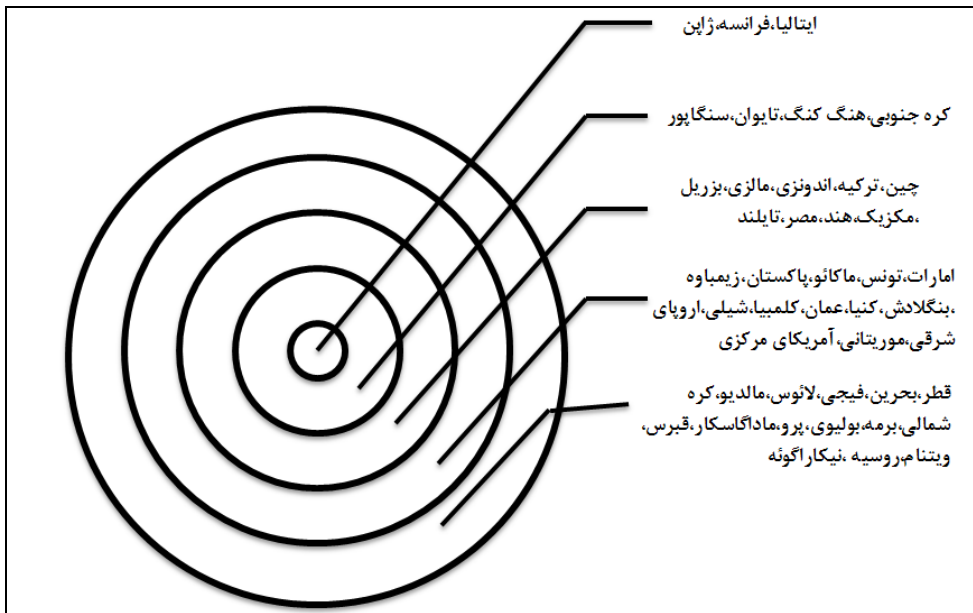
۲- رشد شهری: افزایش جمعیت شهرها و شهرکها

۳- شهرگرایی: توسعه مشخصه‌های اجتماعی و رفتاری زندگی شهری بعنوان یک

کل (میخائیل، ۲۰۰۱: ۷۰).

بنابراین فرآیند جهانی شدن امکان القاء یا احراز کارکرد های تازه ای برای شهرها و بطور مشخص برای کلانشهرها فراهم آورده است.

شکل شماره ۵: سلسله مراتب تقسیم جغرافیایی کار در صنایع نساجی را در دنیا نشان می دهد. این تقسیم بندی بر اساس برندها و نیروی کار ارزان است. مرکز دایره تو لیدکنندگانی را نشان می دهد که برای طراحان و مشتریان منتخب تولید می کنند و داویر بیرونی به ترتیب بر حسب کیفیت و کمیت، قیمت کالا و دستمزد در رده های بعدی قرار می گیرند. به عنوان مثال در آمریکا منتخب ترین برند وارداتی که مصرف کنندگان منتخب و محدودی دارد کالای خود را از ایتالیا، فرانسه، انگلستان و ژاپن وارد می کنند. در حالیکه برندهایی که وارد فروشگاه های رده پائین تر می شوند و به اصطلاح از تخفیف بر خوردار می باشند، در کشورهای پیرامونی که از نیروی کار ارزان قیمت برخوردارند، تولید می شود. در واقع هر قدر از مرکز دایره دور تر می شویم، از کیفیت کار کمتر شده و دستمزد کارگر نیز کاهش می یابد. همچنین این نمودار در عین حال به نوعی نمایش دهنده زنجیره تولید نیز می باشد.



شکل شماره ۵- سلسله مراتب تقسیم جغرافیایی کار در صنایع نساجی، ماخذ: (هاگت، ۲۰۰۱: ۳۰۳)

- تاثیرات اقتصادی جهانی شدن بر شهرها

با وجود ترکیبی بودن تاثیرات جهانی شدن بر شهرها، اقتصاد جهانی، بیشترین تاثیرات را بر شهرها داشته است. از نظر اقتصادی، شهرها در دوره جهانی شدن با کاهش و تغییر نقش صنایع در شهرهای صنعتی کشورهای پیشرفته و افزایش نقش آن در کشورهای در حال توسعه مواجه بوده‌اند. میشل پاسیون " ظهور شهرهای جهانی، صنعت زدایی و تضعیف شهرهای صنعتی قدیمی را از مهم ترین نتایج جهانی شدن اقتصاد در مقیاس شهری بر می شمرد (پاسیون، ۲۰۰۳: ۲۸۵)

دگرگونی های اساسی فراگیر زمان ما، تغییر در ساختار اقتصادی در بعد جهانی بوده است. این تغییر با موج ابداع تکنولوژی همراه بود. این دو نوع جریان‌ها به طور دو سویه تقویت شدند که سبب تغییر سلسله مراتب شهرهای بزرگ به ویژه کلانشهرها و شهرهای جهانی در اقتصاد سیاسی جهان شده است (لوفوچن و یونگ، ۱۹۹۸: ۱).

شهرها در همان حال که عهده دار هدایت اقتصاد جهانی هستند، در پی سمت و سو دادن به فرهنگ و جامعه نیز هستند. به عبارتی دیگر ارتباط بین فضای محلی و فضای جهانی در جهان شهرها برقرار می گردد. جهانی شدن برای شهرهایی که در فرآیند آن قرار می گیرند، کارکردهایی در مقیاس بسیار گسترده تر از آنچه تاکنون تجربه کرده اند مهیا می سازد. حوزه نفوذ اینگونه شهرها از مقیاس ناحیه ای و منطقه ای گسترش یافته و ماهیتی جهانی به خود می گیرد. لزوم انطباق زیر ساخت های شهری با کارکردی که به عهده دارند، همواره از الزاماتی بوده است که برای دستیابی به یک نظام شهری مناسب و کارآمد بدان تاکید شده است. این در حالی است که جهانی شدن کارکردهایی را برای شهرهای جهانی تعیین می کند، که گاه با واقعیت زیر ساخت‌های آنها مطابقت ندارد. چنانچه امروزه در شهرهای جهان سوم که به کارکردهایی در سطح فراملی و جهانی رسیده‌اند، شکاف آشکاری در این زمینه دیده می‌شود و ما در

این گونه شهرها شاهد ترافیک، آلودگی، کمبود تاسیسات و تجهیزات شهری و در نهایت عدم دسترسی آسان برخی از شهروندان به امکانات شهری می باشیم.

جهانی شدن در بعد اقتصادی اهدافی را دنبال می کند، یکپارچگی بازارهای جهانی برای افزایش حجم فروش و دستیابی به اقتصادهایی در مقیاس جهانی، مزیت سنجی جهانی برای کاهش هزینه های تولید و ترویج مصرف گرایی برای تولید بیشتر که غالباً با اهداف سرمایه داری سازگاری دارد.

مبادلات اقتصادی نه در خلاء بلکه در درون فضا و در ابعاد مختلف اتفاق می افتند، برای مثال اقتصاد بنیادی «بازار» از رابطه فضایی خرید و فروش حاصل شده است. شهرها بعنوان نقاطی در فضا، تنش های اقتصادی را منعکس، متمرکز یا محدود می سازند (شورت، ۱۳۸۲: ۳۷). جغرافیای اقتصاد بین المللی ارتباطات الکترونیکی دارای تقسیمات فضایی، شهری، بخشی، اجتماعی و جنسیتی است. این اقتصاد بیشتر به ملل آمریکای شمالی، اروپا و ژاپن اختصاص دارد و امکان این چنین ارتباطی برای شهرهای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته بسیار محدود و در صورت وجود، چنین ارتباطی فقط در سطح پایتخت هایشان عملی است و در این راستا تابع اقتصاد بین المللی خواهند بود. در حالیکه این اقتصاد در کشورهای توسعه یافته در شهرهای با اقتصاد خدماتی در جریان است. دسترسی به ارتباطات راه دور پیشرفته از بعد اجتماعی محدود است. این اقتصاد با افراد و مشاغل متخصص و مدیریتی که غالباً مرد می باشند، سر و کار دارد (هال، ۲۰۰۶: ۵۴).

در دوران تحول اقتصاد شهرها، اطلاعات به عنوان یک عامل تولید جدید اهمیت بسیاری یافت و خود مبنای توسعه نوعی اقتصاد اطلاعاتی در جهان شد. در نتیجه اشتغال در شهرهای پیشرفته مرتبط با اقتصاد جهانی به سمت خدمات پیشرفته سوق یافت. " مانوئل کاستلز " در بررسی تجربی تغییرات اشتغال در کشورهای صنعتی گروه هفت، ویژگی های بنیادین مشترکی را برای این جوامع اطلاعاتی تشخیص می دهد. این ویژگی ها عبارت است از: حذف مشاغل کشاورزی، کاهش دایمی مشاغل تولیدی

سنتی، افزایش خدمات تولیدی و خدمات اجتماعی، تنوع روزافزون فعالیت های خدماتی به عنوان منابع اشتغال، افزایش سریع مشاغل مدیریتی، تخصصی و فنی، تشکیل گروهی از کارگران یقه سفید که از کارگران بخش فروش و دفتری تشکیل شده اند، ثبات نسبی سهم قابل توجهی از اشتغال در بخش خرده فروشی، افزایش همزمان سطوح بالا و پایین ساختار شغلی، ارتقای نسبی ساختار شغلی در طول زمان با سهم فزاینده مشاغلی که نیازمند مهارت های بیشتر و تحصیلات پیشرفته هستند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۸۰).

بازسازی اقتصادی در فرآیند جهانی شدن اغلب موجب تشدید فقر اقتصادی شده است. در عین حال بدهی های کشورهای جهان سوم که بیشتر با فقر درگیر هستند، تمام تلاش ها برای کاهش فقر را به مخاطره انداخته است. شرکت های چند ملیتی دیگر نیز دستاورد جهانی شدن است که به عنوان غولهای سرمایه داری در جهان با هزاران کارمند و کارگر، باعث ظهور انحصارهای چند قطبی جهانی شده است. این غولهای سرمایه داری برای استفاده از امکانات در شهرها مستقر شده اند. جابجایی یا ورشکستگی چنین شرکت هایی که موجب اشتغال شاید میلیون ها انسان است، پیامدهایی ناگوار برای اینگونه شهرها خواهد داشت. از سوی دیگر تداوم فعالیت اینگونه شرکتها بصورت متمرکز باعث جذب سرمایه، امکانات و مردم به کانون استقرار آنها خواهد شد و شهرها را بگونه ای غیر قابل تصور بزرگ و بزرگتر خواهد کرد، شهرهایی که علیرغم بزرگی با مشکلات و مسائل بزرگی نیز روبرو هستند. اقتصاد آزاد بدون تعرفه های گمرکی که باعث جریان سریع تر و راحت تر کالا و سرمایه در سطح جهانی می شود، داعیه موافقان جهانی شدن است و این واقعیتی غیر قابل انکار است. اما ورود به عرصه اقتصاد آزاد نیازمند پیش شرط هایی است. داشتن مزیت نسبی در ارائه یک نوع کالا و خدمات برای شهری که خواهان پیوستن به اقتصاد جهانی است، ضروری می شود. در این بین اتکا به این گونه فرصت ها در اقتصاد جهانی عملی غیر عقلانی است. برای حضور فعال و پویا در سیستم اقتصاد جهانی هر شهر بایستی به کارکرد های مختلفی

مجهر باشد تا در برابر دگرگونی و شرایط اقتصادی جهانی از ضربه های مهلک و ناگهانی در امان باشد (حاتمی نژاد، جهانگیر، ۱۳۸۶: ۴۳).

در مجموع می توان گفت فرایند جهانی شدن موجب بازساخت اقتصاد شهرها بخصوص در شهرهای جهانی گردیده است. صنعت زدایی و رکود تولید صنعتی، رونق خدمات پشتیبان تولید (شامل خدمات مالی، بازرگانی، ارتباطی، حمل و نقل، اطلاعاتی، حقوقی و مدیریتی)، برتری مزیت های رقابتی بر مزیت های نسبی، ساخت های زیربنایی در بالاترین سطح جهانی از تاثیرات اقتصادی جهانی شدن در شهرها می باشد.

تاثیرات اجتماعی - فرهنگی جهانی شدن بر شهرها

جهانی شدن در شهرها، به نابرابری در توزیع درآمدها و ایجاد شکاف درآمدی در جامعه و قطبی شدن اجتماعی نیز منجر می شود. در اکثر جوامع، برندگان و بازندگان جهانی شدن وجود دارند، ولی در کشورهای در حال توسعه که وارد مناسبات ناشی از جهانی شدن می شوند، این نابرابری ها جلوه دردناکی به خود می گیرد. جهانی شدن عموماً موجب افزایش رفاه و استانداردهای زندگی افرادی می شود که دارای تخصص های خدماتی پیشرفته و توانایی مشارکت در فرآیندهای اقتصاد اطلاعاتی باشند. در سطح چالش هایی در عرصه های سیاسی، اجتماعی و سیاست گذاری شده است. فرآیند جهانی شدن و تغییرات اقتصادی ناشی از آن به وسیع تر شدن شکاف بین ثروتمندان و فقرا در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فضایی انجامیده و گزارش های اواخر دهه ۱۹۹۰ نشانگر رشد تفاوت بین ثروتمندان و فقرا در تمام کشورهای توسعه یافته، هم در شهرهای بزرگ و هم کوچک است (اسکات، ۱۳۸۴: ۱۹).

جهانی شدن تأثیرات عمیقی بر جغرافیای اجتماعی شهرها داشته است. به ویژه که این جریان به نظر سائن (۱۹۹۱) به پیدایش شهرهای موسوم به شهرهای جهانی منجر شده است؛ مثل مراکز مسلطی مانند نیویورک، لندن و توکیو که بازیگران اصلی در متمرکز شدن نوین سیستم های مالی جهان هستند که گاهی اوقات به آنها جهان شهر نیز

می‌گویند. ساسن عقیده دارد، یکی از چهره‌های اصلی شهرهای جهانی، قطبی شدن اجتماعی، یعنی رشد نابرابری‌های اجتماعی در آن‌هاست. در مقیاسی وسیع، این نابرابری‌ها از خصوصیات خدمات مالی (تجاری) نشأت می‌گیرند. این خدمات به قشری از کارکنان که مزد نسبتاً خوبی دریافت می‌کنند، متکی هستند و این کارکنان به بسیاری از خدمات مصرفی مانند رستوران، فروشگاه و مغازه‌ی خشکشویی نیازمندند که به نوبه‌ی خود مورد استفاده‌ی کارکنانی که مزد اندکی دارند هم قرار می‌گیرند. این نابرابری‌های اجتماعی در جغرافیای اجتماعی شهرهای جهانی نیز مطرح هستند. مسکن کارکنان مرفه شاغل در خدمات مالی ممکن است در مجاورت مسکن‌سازی با کیفیت پائین احداث شود؛ همان‌طوری که در بازسازی ناحیه‌ی باراندازهای لندن این کار انجام شد. تنش‌های اجتماعی مربوط به چنین امکانات نابرابری بدین معنی است که رفاه نیازمند توسل به بسیاری از تدابیر حفاظتی است (هادیانی، ۱۳۸۴: ۵).

فرصت‌های نابرابر اقتصادی، دسترسی به امکانات را نابرابر می‌کند و باعث نابرابری اجتماعی می‌گردد. چیزی که امروزه در شهرهای جهانی به وضوح قابل درک است، اختلاف شدید طبقاتی است. مهاجرت به شهرهایی که در فرآیند جهانی شدن قرار می‌گیرند اغلب برای بدست آوردن شغل است. اینجاست که مهارت و تخصص مهاجرین با توجه به نیازهای شهر مهم جلوه می‌کند. جهان‌شهر اغلب به افراد ماهر و متخصص نیاز دارد و در قبال آن دستمزدهای مناسبی می‌پردازد. در اینگونه شهرها مهاجران غیر ماهر در حاشیه قرار گرفته و اختلاف شدید طبقاتی را موجب می‌شود.

جهانی شدن الگوهای خاص فرهنگی و اجتماعی خود را تبلیغ می‌کند. تغییر در ارزش‌های فرهنگی و الگوی مصرف به سود کشورهای غربی در چارچوب نظام سرمایه‌داری از اهداف جهانی شدن است. تغییر در ارزش‌های فرهنگی و الگوی مصرف در مقابل الگوی سنتی قرار می‌گیرد و باعث گسستگی اجتماعی در انگیزه‌ی جوامع می‌گردد (حاتمی نژاد، ۱۳۸۶: ۴۳).

شهرهایی که در فرآیند جهانی شدن قرار می‌گیرند به فضاهایی بدون پابندی به فرهنگ واحد خاص و جدا از قلمروهای ملی بدل می‌گردد که بی‌هویتی فرهنگی از مهمترین خصایص آنهاست. در موارد زیادی ملت‌ها تبدیل به پاره‌هایی از فضاهای شهری ناهمگن فرهنگی گشته‌اند. برخی از شهر - منطقه‌ها ترکیبی بی‌معنا از جمعیت های مهاجر غیر ملی، چند زبانه و حاشیه نشین هستند (اسکات، ۱۳۸۴: ۱۷۱).

تاثیرات جهانی شدن بر تحولات کالبد و فرم شهرها

به محض اینکه یک ناحیه در جهان به اقتصاد جهانی می‌پیوندد، در نتیجه ی آن، اقتصاد و اجتماع محلی آن‌ها پویا می‌شود. استقرار یک مرکز شهری برای خدمات پیشرفته، یک پیش نیاز می‌شود (هادیانی، ۱۳۸۴: ۳۳). کالبد شهر برآیند اثر سایر نیروهایی است که به وسیله جهانی شدن در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوجود آمده‌اند. هر یک از این ساختارهای نو می‌توانند اثری بر کالبد و فرم شهر داشته باشند که مجموعه این تاثیرات، شهرها را از نظر فیزیکی دچار شدیدترین تحولات می‌نماید. جهانی شدن، فرآیندی است که در اثر آن ناهمگونی های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی ناشی از درهم آمیختگی مهاجرت جهانی، افزایش نابرابری های اجتماعی و اقتصادی از یک سو باعث تحمیل فرم شهری چند خوشه ای و پراکنده و رشد گتوهای شهری در ساخت فیزیکی شهرها شده و از سوی دیگر، این فرم از ساخت شهری، باعث تحمیل هزینه های زیادی برای اداره شهر، تأمین نیازها و امنیت شهرها گردیده است. رشد حاشیه نشینی نیز که یکی از شاخصه های کلانشهرهای جهانی است. در نتیجه گسترش فقر اقتصادی و حتی اجتماعی شتاب بیشتری به خود گرفته و تمامی این عوامل باعث تقسیم فضایی شهرها بر پایه اقتصاد شده است. عقب ماندن تأسیسات و تجهیزات شهری از روند رشد بی‌رویهی شهرهایی که در فرآیند جهانی شدن قرار گرفته اند، شهرها را از نظر زیر ساخت ها، تحت فشار قرار داده و زیرساخت های موجود، توانایی پاسخگویی به نیازهای این شهرها را چه به لحاظ

جمعیت ساکن و چه به لحاظ اقتصاد موجود و کارکرد هایی که شهر بخود گرفته است ندارند. تراکم بیش از حد حول مراکز شهری برای دسترسی بیشتر به امکانات موجود، ترافیک، اختلالات ترددی، فرسایش و استفاده بیش از حد از زیر ساخت های موجود و هزینه های بالای ایجاد زیر ساخت های جدید، در نهایت منجر به عدم دسترسی مناسب به اینگونه نیازهای شهرنشینان در این شهرها با انبوهی از مشکلات می گردد.

تاثیرات زیست محیطی جهانی شدن بر شهرها

فرآیند جهانی شدن طی دهه های اخیر در جهت بازسازی ساختار اقتصادی بر استانداردهای زیست محیطی فشار مضاعفی وارد نموده است. کشورهای توسعه یافته برای مصون ماندن از آلودگی زیست محیطی، فعالیت های آلوده کننده را به کشورهای در حال توسعه انتقال دادند. بطوری که دیده می شود کارخانه های تولیدی بسیار بزرگ، تراست ها و کارتل های چند ملیتی غالباً در کشورهای توسعه نیافته فعالیت می کنند و سازمان رهبری آنها در قلب کشورهای توسعه یافته قرار گرفته است. دسترسی به منابع طبیعی ارزان قیمت، صرفه جویی در هزینه های حمل و نقل، دسترسی به نیروی کار ارزان قیمت و رهایی از آلودگی فعالیت ها از جمله دلایلی است که باعث انتقال این کارخانه ها به کشورهای توسعه نیافته گردیده است.

به عبارتی صنایع پاک در شمال و صنایع آلاینده در جنوب. اغلب کشورهای جهان سوم نیز این صنایع را به عنوان پایه های رشد اقتصادی خود قرار داده اند و به طبع، این صنایع به کانون جذب بسیاری از ساکنان کلانشهرهای جهان سوم بدل گردیده اند. «در این مناطق کلانشهرهای در حال رشد تاثیرات رشد اقتصادی و تمرکزهای جمعیتی، فشارهای زیادی بر تمامی جنبه های زندگی شهری وارد کرده است. تباهی محیط زیست، ازدحام ترافیکی، کمبود مسکن و رشد زاغه ها در رأس تهدیدهای توسعه پایدار برای شهرها هستند» (اسکات، ۱۳۸۴: ۱۴۷).

- شهرنشین فقر، جهانی شدن و کیفیت زندگی شهری

کلانشهرهای بزرگ جهان در حال توسعه، بعنوان محور جهانی شدن این شهرها امروزه شاهد نابرابری شدیدی در برخورداری استانداردهای زندگی هستند. پدیده شهرنشینی اکثر کشورهای در حال توسعه نتیجه تأخیر در روند سرمایه داری پیرامونی است. این فرآیند که در هاله جهانی شدن در آمیخته است، زمینه را برای استقرار شرکتهای فراملیتی فراهم آورده است. در کنار چنین رشد قطبی شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه، بخش وسیعی از نواحی روستایی و شهرهای کوچک و متوسط این کشورها در بیکاری به سر برده و این تک قطب کلان مرکزی را محل برآورده شدن آرزوی خود می دانند و از این رو مهاجرت به عنوان نخستین راهگشای مشکلات، مطرح می گردد. این رشد گسترده قطبهای شهری در دهه ۱۹۶۰ در کشورهای در حال توسعه منجر به پیدایش شهرهایی گردید که فاقد استانداردهای مناسب مسکن و زیر ساخت های لازم می باشند. در پی این روند، وضعیتی نمود یافت که از آن با عنوان شهرنشینی نابرابر یاد می کنیم (لیپیتز، ۱۹۸۵).

این نوع از شهرنشینی نابرابر منجر به افول شاخص های کیفیت زندگی گردیده و ابعاد مختلف اقتصادی (درآمد، بیکاری و خشونت)، فضای شهری و شهرسازی (گسترش بی قواره شهری و آلونک نشینی)، را تحت تاثیر قرار داده است. چنانچه تمرکز بیش از ۶۰ درصد فقرای آمریکای لاتین در شهرهای جهانی شده خود حاکی از موقعیتی است که این قاره را به منطقه در حال توسعه و یا در واقع روند جهانی شهرنشینی فقر تبدیل کرده است. بر اساس آمار ۱۹۹۷ در کشورهای آمریکای لاتین، بخش عظمی از ساکنان این کلانشهرهای جهانی در خانه های زیر استاندارد زندگی می کرده اند (کلیچوفسکی، ۲۰۰۶).

آنچه در نتیجه جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه به ویژه جهانی شدنی که در آن، گونه های افسار گسیختگی باشد، نتیجه ای جز درجه رقت باری، محقر بودن و

نبودن حداقل های استانداردهای زندگی و کیفیت زندگی در این شهرها نیست (فرجی ملانی، ۱۳۸۹: ۲۳).

نتیجه گیری

در دهه های اخیر، جهانی شدن یکی از موضوعات مهم در محافل مختلف بوده است. اهمیت این موضوع از تاثیر گذاری فرآیند جهانی شدن بر سیاست های اقتصادی، الگوهای مدیریتی، فقر دولتمندی، روندها و الگوهای توسعه ملی و محلی، فرهنگ ها و عقاید گوناگون محلی، روابط بین افراد، مقیاس جهانی تاثیرات و عملکردها و ... ناشی می شود. از این رو اندیشمندان، هر یک با دیدگاه های خاصی این واژه را تعریف کرده اند. این مفهوم در پی وقوع تغییرات مهم فناوری های نوین ارتباط و سرعت گرفتن صنعت حمل و نقل شکل گرفت. جهانی شدن در مفهوم جدید خود معلول "صنعت جهانی ارتباطات" است و بعنوان یک روند ارتباطی، موجب «ارتباط همزمان» و ظهور «فضای واحد ارتباطی» شده، پدیده نوینی محسوب می شود. شهرها در نتیجه جهانی شدن، تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی گسترده ای را تجربه کرده اند. اثرات جهانی شدن در زمینه های مختلف، متفاوت است، با این حال تاثیر جهانی شدن در بعد اقتصادی بیشتر از سایر ابعاد می باشد. همچنین تاثیرات جهانی شدن بر شهرها هم متفاوت است، بیشترین تاثیرات فرآیند جهانی شدن در کلانشهرها و شهرهای جهانی کشورهای صنعتی و پیشرفته نظیر آمریکا، ژاپن و اروپا بوده است. جهانی شدن در بعد اقتصادی، موجب یکپارچگی بازارهای جهانی برای افزایش حجم فروش و دستیابی به اقتصادهای در مقیاس جهانی، رقابت شدید در جذب سرمایه های مستقیم خارجی، مزیت سنجی جهانی برای کاهش هزینه های تولید و ترویج مصرف گرایی برای تولید بیشتر که غالباً با اهداف سرمایه داری سازگاری دارد، شده است. در زمینه های اجتماعی نیز سبب قطبی شدن اجتماعی و افزایش شکاف درآمدی بین مناطق مختلف گردیده و

در زمینه فرهنگی بدنبال یکسان‌سازی فرهنگی در جهان می باشد. در نهایت، شهرها در دوران جهانی شدن با وجود کاهش جایگاه و اعتبار تاریخی شان در نتیجه کاهش اهمیت مکان و زمان، مرکزیتی دوباره یافتند. این مرکزیت، نتیجه تصمیم‌گیری شرکت-های جهانی برای استقرار مراکز اداری خود در شهرهای مهم جهانی و تسهیلاتی است که این شهرها در اختیار شرکت‌ها قرار می‌دهند. با توجه به تحولات گسترده‌ای که در نتیجه جهانی شدن بر شهرها حادث گردیده، اداره شهرها در نظام جهانی راهکارهای پیچیده‌ای را می‌جوید و برای بقا در فرآیند جهانی شدن و استفاده بهینه از فرصت‌هایی که از آن حاصل می‌شود و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها مستلزم یک برنامه‌ریزی منسجم و قابل انعطاف در برابر تغییرات جهانی است، تا حدی که تغییرات جهانی، جریان برنامه‌ریزی را دچار شکست نکند و از این تغییرات بتواند برای ایجاد فرصت استفاده نماید.

منابع

۱. اسکات، آلن جان (۱۳۸۴)، شهر - منطقه‌های جهانی، ترجمه: پانته آ لطفی، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
۲. ایران زاده، سلیمان (۱۳۸۰)، جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان، مرکز آموزش مدیریت دولتی
۳. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۱)، جهانی شدن و اثرات آن در ایران، باور، دوره جدید، شماره ۱۱
۴. حاتمی نژاد، حسین، جهانگیر، ابراهیم (۱۳۸۶)، جهانی شدن و تحولات شهرها، فصلنامه سپهر، سال شانزدهم، شماره ۶۳
۵. رابرتسون، رونالد (۱۳۸۵)، جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه: کمال پولادی، تهران، نشر ثالث

۶. رضایی، رحیم (۱۳۸۱)، جهانی شدن و نقش کلانشهرها در گفتگوی تمدن ها، مجموعه مقالات گفتگوی تمدن ها از منظر جوانان، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
۷. رضایی، رحیم، عباسی، محمد (۱۳۸۹)، اثرات جهانی شدن بر ماهیت، ساختار و عملکرد شهرها، آمایش سرزمین، سال دوم، شماره دوم
۸. سجادی، ژیلا (۱۳۸۱) "فرایند جهانی شدن و تأثیر آن بر ساختار مکانی- فضایی اقتصادی توسعه نیافته" مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان جلد پانزدهم، شماره ۱ و ۲ (۱-۱۲)
۹. شورت، جان رنای، هیون کیم، یونگ (۱۳۸۴)، جهانی شدن و شهر، ترجمه: احمد پوراحمد، شایان رستمی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی
۱۰. شورت، جان رنه (۱۳۸۲)، نظم شهری درآمدی بر شهرها، فرهنگ و قدرت، ترجمه: اسماعیل چاوشی، دانشگاه تربیت معلم تهران، چاپ اول.
۱۱. صرافی، مظفر (۱۳۷۹)، شهری شدن جهانی و جهانی شدن شهر، فصلنامه سیاسی اقتصادی، شماره ۱۵۵ و ۱۵۶
۱۲. صرافی، مظفر، قورچی، مرتضی، محمدی، علیرضا (۱۳۸۸)، "جهانی شدن، شهرهای جهانی و کلانشهر تهران"، فصلنامه اقتصاد شهری، شماره ۴
۱۳. فرجی ملائی، امین (۱۳۸۹)، شهرهای جهانی و مدیریت کیفیت زندگی، ماهنامه اطلاع رسانی، آموزشی و پژوهشی شوراها، شماره پنجاه و سوم
۱۴. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، ظهور جامعه شبکه ای (اقتصاد، جامعه و فرهنگ). جلد اول، ترجمه: احمد علیقلیان، افشین، خاکباز و علی پایا، تهران، طرح نو
۱۵. گل محمدی، احمد (۱۳۸۰)، جهانی شدن و بحران هویت، فصلنامه مطالعات ملی تهران، سال سوم، شماره ۱۰
۱۶. موسوی، سیروس، پوراحمد، احمد، قرخلو، مهدی (۱۳۹۰)، بررسی مفاهیم و شاخص های شهر جهانی، مجله باغ نظر، سال هشتم، شماره شانزدهم

۱۷. نادمی، داود(۱۳۸۰)، دیدگاه های موافقان و مخالفان جهانی شدن، فصلنامه

سیاسی اقتصاد شماره ۲۶۸-۲۶۷

۱۸. ویسی، صالح (۱۳۸۳)، "جهانی شدن و معماری"، فصلنامه شهرسازی و

معماری، سال چهاردهم، شماره ۴۴-۴۳

۱۹. هادیانی، زهره(۱۳۸۴)، تاثیرات جهانی شدن بر فضای کلانشهرها، فصلنامه

آموزش جغرافیا، شماره ۳ و ۴ دوره نوزدهم

20. Brenner, N. (2004) *New State Spaces: Urban Governance and the Rescaling Of Statehood*, Oxford University Press
21. Friedman, J. and Wolff. G (1982), "World city formation", *International Journal of urban and regional research*, 6(3).
22. Hagett, P, (2001) *Geography: A Global Synthesis*, Prentice Hall, England 1-833
23. Hall, T. (2006) *Urban Geography*; London, Routledge (3rd edn)
24. Knox, P. L and Sallie, A. Marston (1998) *Human Geography: Places and Regions in Global Context*, Prentice Hall, New Jersey
25. Krasner. P, (1998), *state Power and the structure of International Trade*, *World Politics*
26. LIPIETZ, A. *Mirages et miracles* (1985), *problèmes de l'industrialisation dans le Tiers-Monde*. Paris, La découverte,.
27. Lo Fu-chen (2000), "Mega cities 2000 UNU", /IAS, page 2.
28. Lo Fuchen and Marcotullio³ Peter J. (2001), "Globalization and the sustainability of cities in the Asia pacific region", *The United Nations University Press*

29. Manfred B. Steger. (2003) . Globalization: A Very Short Introduction. Oxford University Press. New York.
30. Marber. P, (1998), From Third World to World Class: the Future of Emerging Markets in the Global Economy, Perseus Book
31. Pacione. M (2003) urban geography: a global perspective: Routledge. London,
32. Perry, W. & Maurer, B. (2003) . Globalization under Construction :Governmentality, Law, and Identity, University Of Minnesota Press
33. Waters. M, (1995), Globalization, London, Routledge.